

بحران دیپلماسی ایران و پیامدهای آن

افغانستان از حماسه تا فاجعه

نوشته: دکتر پرویز ورجاوند

در جریان حمله طالبان و پاکستان به شمال افغانستان، ایران به استناد ماده هفتم قرارداد پاریس می‌توانست از موضع قدرت عمل کند و تجاوز را متوقف سازد

شاهد بودیم.

به دنبال اشغال بی‌دری استانه‌های شمال غربی و شمال توسط طالبان و پیشرفتهای غیرمنتظره آنها، بسیاری از مجامع بویژه بر اثر نحوه تبلیغات برخی از رسانه‌های جهت‌دار، از جمله بی.بی.سی و غیره، بر آن بودند که مرحله سلطه کامل طالبان بر سراسر افغانستان به پایان رسیده و دیگر امیدی برای نیروهای مخالف وجود ندارد. ولی در واقع چنین نگشت و بازمانده نیروهای شمال به رهبری احمدشاه مسعود با چنگ و دندان در ارتفاعات و دره‌های شمال نبرد را ادامه دادند، و با کسب چند موفقیت نسبی امید را در دل‌های مقاومت‌کنندگان زنده نگاهداشتند.

تغییر موضع عربستان

نکته مهم و قابل توجه در این مرحله که از آن باید به‌عنوان یک رویداد برجسته در تاریخ نبردهای چندین ساله افغانستان یاد کرد، چرخشی بود که ناگهان در موضع عربستان نسبت به طالبان پیش آمد و در پی آن حمله موشکی آمریکا به افغانستان صورت گرفت. درست است که باروی کار آمدن آقای خاتمی به تدریج موضع‌گیری‌های شدید میان ایران و عربستان جای خود را به یک تفاهم دور از تنش می‌سپارد، ولی نمی‌توان گفت که این روابط به سرعت وارد چنان مرحله‌ای شده

اوضاع و احوالی که طی چندماه اخیر در پی یورش مجدد طالبان به شمال افغانستان و تصرف بخش‌های عمده‌ای از این ناحیه، بویژه پایتخت دوم دولت ربانی یعنی مزار شریف، و کشتار دیپلماتهای ایران... در افغانستان پدید آمد، ایجاب کرد که چون یکی دوبار در گذشته بحث دنباله‌دار مربوط به افغانستان را یک شماره به عقب اندازیم و درباره اوضاع روز و این رویدادها سخن بگوییم.

برخلاف بار قبل، حمله اخیر طالبان به شمال از ابعاد و سرعت بیشتر و حضور همه‌جانبه نیروهای نظامی و شبه‌نظامی پاکستان، فرماندهان و جنگ‌افزارهای آنها برخوردار بود. با اینکه در این یورش چون بار پیش حوادثی نظیر همگامی ژنرال عبدالملک که در آغاز حمله سبب تسلیم مزار شریف به طالبان گشت روی نداد، در عمل زمینه‌سازهای طالبان برای کنار آمدن با شماری از فرماندهان محلی و خریدن آنان یکی از عوامل پیروزی سریع طالبان بود. با این حال باید موفقیت آنها را مرهون برنامه‌ریزی‌های تاکتیکی پاکستانیها و رهبری حدود ده هزار نفر طلاب پاکستانی دوره‌دیده در استان سرحد پاکستان بوسیله افسران کارگشته پاکستان دانست. نکته قابل توجه آن که نه تنها نیروهای متحدشمال نتوانسته بودند از این سازمان‌دهی و برنامه حمله آگاهی یابند، که نیروهای اطلاعاتی ایران هم کارایی لازم را نشان ندادند. نمونه بارز چنین وضعی را در گذشته در جریان تسلط سهل و آسان طالبان بر هرات که ضربه‌ای خردکننده بر ایران وارد ساخت

پاکستان به راه اندازند. زمانی که قدرتمندان پاکستان و بویژه ارتش و سازمان امنیت آن برای برخوردار شدن از کمکهای مستمّر مالی عربستان و آمریکا و انگلیس، در شرایطی که امکان استقرار يك دولت وحدت ملی در افغانستان فراهم می‌گشت، دست به ایجاد گروه طالبان زدند، این نکته را در نظر نگرفتند که این گروه با آموزش‌های بسته مذهبی که می‌بینند همانطور که مزدورانی خشن و ویرانگر در افغانستان و کشمیر خواهند بود، ممکن است در داخل پاکستان نیز دست به ترور و آشفته ساختن اوضاع بزنند و ساختار جامعه پاکستان که در آن وحدت ملی به مفهوم واقعی کلمه هنوز شکل نگرفته است، می‌تواند سخت آسیب‌پذیر گردد. روزنامه هندی ایندین اکسپرس درباره گروه‌های چریکی طالبان پاکستانی و افغانستانی پشتوزبان که بوسیله پاکستان آموزش داده شده و به کشمیر فرستاده شده‌اند چنین اظهار نظر می‌کند: «افغانی‌هایی که در کشمیر در کنار مبارزان علیه دولت هند می‌جنگند، به دلیل اعتقاد شدید مذهبی بسیار سرسخت می‌باشند.»^۲

تجاوز به حقوق ابتدایی انسانها و پاکسازی قومی

از زمان حضور طالبان در صحنه سیاسی افغانستان، دنیا شاهد بوده که این گروه با بی‌بروایی هر چه تمامتر مسلم‌ترین حقوق طبیعی انسانها و آزادیهای معقول و پذیرفته شده را زیر پا نهاده است. طالبان تا امروز از هیچ يك از مواضع ضدانسانی خود در گذشته‌اند و با خشونت در اجرای تمامی ضوابط خود ساخته و قوم‌گرایانه مورد نظر پافشاری کرده‌اند.

طالبان از ابتدای قدرت یابی نخست زنان را مورد ستم و تحقیر قرار دادند و نه تنها امکان تحصیل و کار در خارج از خانه را از آنها سلب کردند که بیرون آمدن از خانه را بدون حضور همسر و محرم جرم شمردند. زنان در خارج از خانه می‌بایست پوششی خاص و گشاد و کیسه‌گونه داشته باشند و حتی چشمهایشان پشت روبنده توری قرار گیرد. چون از کار زنان جلوگیری به عمل آوردند، حق رفتن نزد پزشک مرد نیز به هنگام بیماری از آنها سلب گردید. استفاده از رادیو و بویژه تلویزیون و نیز عکس برداری ممنوع اعلام گردید. اجرا و پخش موسیقی جرم شمرده شد و مردان موظف گشتند به بلندی لوله لامپای فانوس ریش داشته باشند و در خیابانها مأمورانی با يك لوله لامپای فانوس گمارده شدند تا بلندی ریش‌ها را اندازه بگیرند و سرپیچی کنندگان از این ضابطه را جریمه نقدی کنند یا شلاق بزنند و روانه زندان سازند. اینها بخشی از رفتار طالبان با همگان بوده و هست؛ ولی بخش دیگر از رفتار غیر انسانی و تجاوزگرانه آنها مربوط است به برخوردهای خشن و کشتارهای دسته‌جمعی با مخالفان قومی‌شان.

است که عربستان یکبار از هزینه‌های سنگینی که در قبال افغانستان و طالبان متحمل گردیده، به خاطر اهمیتی که برای روابط خود با ایران قائل است چشم‌پوشد و همه کوششها و هزینه‌های فراوان چندین ساله را نادیده انگارد. بنابراین باید دلیل این چرخش را در جای دیگر جستجو کرد. فراخواندن کاردار عربستان از افغانستان و اخراج نماینده طالبان از عربستان و لحن تند مقامهای عربستان در مورد طالبان اگر در راستای سیاستی صادقانه باشد، موضع‌گیری مهمی است که می‌تواند موقعیت طالبان را در سطح برون‌مرزی آسیب‌پذیر سازد. موشک‌باران مرکز فعالیت بن‌لادن در افغانستان نیز کاری است که هدف آن را نمی‌توان فقط به وحشت انداختن بن‌لادن دانست. بن‌لادن همان کسی است که در جریان مبارزات مجاهدان افغانستان با ارتش شوروی، آمریکایی‌ها از او به عنوان قهرمان یاد می‌کردند. آیا ماجرا به نقش برخی جریانه‌ها در داخل عربستان برای ایجاد تغییرات باز نمی‌گردد؟ آیا بن‌لادن در درون عربستان دست‌اندرکار سازماندهی برخی نیروهای زیرزمینی به سود جناحهای خاصی نبوده است؟ در پی اخراج نماینده طالبان از عربستان، آنها اظهار داشتند که این اقدام به دلیل حمایتشان از اسامه بن‌لادن و برخی دیگر از عربهای ساکن افغانستان صورت گرفته است.^۱ این نیروهای زیر فرمان بن‌لادن که سالهای سال است در نبردهای مختلف چریکی آبدیده شده‌اند و همه چیز خود را وابسته به ادامه حضور و نفوذ سرکرده خود می‌دانند آیا درنگ خواهند داشت تا در سرزمین مادری دست به حرکت‌های تروریستی بزنند و ثبات آنجا را برهم بریزند؟!.

در همین راستا، مواجه می‌شویم با موضع‌گیریهای خانم بی‌نظیر بوتو که دولت نواز شریف را به علت حمایت بی‌چون و چرا از طالبان که می‌تواند عوارض منفی در خود پاکستان داشته باشد به گونه‌ای بی‌سابقه مورد حمله قرار می‌دهد. روزنامه معتبر «مسلم» چاپ پاکستان درباره طالبان چنین اظهار نظر می‌کند: «گروه طالبان پدیده‌ای موقت و گذرا هستند که باید پس از انجام نقش خاص خود از صحنه کنار بروند.» همین روزنامه به باره‌ای تغییرات در کادر رهبری سازمان اطلاعات ارتش پاکستان اشاره کرده و برکناری ژنرال «نسیم رعنا» رئیس سازمان مزبور را در تضعیف موقعیت نظامی طالبان مؤثر دانسته است. آیا موج کشتارها و ترورهای رو به افزایش در شهرهای پاکستان و نهادینه شدن برخوردهای قومی و مذهبی در سراسر آن کشور زنگ خطر را به صدا درآورده است؟ امروزه جمعی از افراد ژرف‌اندیش پاکستان که شاهد قدرت یافتن مراکز طلبگی در پاکستان و دادن تعلیمات نظامی چریکی به طلاب برای روانه ساختن آنها به میدانهای نبرد در افغانستان هستند، نگرانند که در آینده همین گروه‌های مسلح پس از بازگشت به پاکستان در صدد دستیابی به قدرت و تغییر بنیادی حکومت در چارچوب نگرش‌های بسته خود برآیند و موجی از آشوب در سراسر

مخدر تولید شده در افغانستان به اروپا و دیگر نقاط جهان قدرت شیطانی و گسترده مافیای جهانی دست اندر کار است و در عمل برای حفظ وضع موجود در افغانستان تلاش می کند. چند هفته پیش، طالبان به آن بخش از کشاورزان منطقه شمال که هنوز بسته گریخته در روستاها به سر می برند اخطار کردند که باید در آغاز فصل کشت همه زمین هارا زیر کشت خشخاش ببرند. این در حالی است که از مدت ها پیش مردم منطقه با مشکل مواد غذایی روبرو بوده اند. طالبان بر آنند که با تبدیل همه یا بخش عمده ای از کشتزارهای افغانستان به مزرعه های تریاک و به اعتباری تثبیت روال اقتصاد تک محصول در سطح کشور، بویژه منطقه های غیر پشتون نشین، آنها را بیش از پیش زیر کنترل در آورند تا از یک سو نتوانند نیازهای غذایی خود را در منطقه تأمین کنند و از زیر سلطه طالبان خارج شوند و بدین ترتیب ادامه مقاومت برایشان مشکل تر شود، و از سوی دیگر با خرید اجباری محصول تریاک از آنها، همه را مجبور به اطاعت از خود سازند. بدون شک با توجه به رفتار خشن طالبان، کمتر کسی جرأت خواهد کرد محصول تریاک خود را خارج از چرخه ای که طالبان برای خرید و جمع آوری و تبدیل و صدور آن برقرار ساخته اند، به جایی بفروشد و درآمد بیشتری کسب کند.

نقش به نسبت فعال سازمان ملل

در طول سالیان دراز در گیربها در افغانستان، جز در دورانی که به حضور ارتش شوروی و تلاش مردم برای بیرون راندن آن مربوط می گردد، سازمان ملل در عمل نقشی مؤثر و تعیین کننده نداشته است. نمایندگان دبیر کل از اعتبار و شخصیت لازم و قدرت تحرک کافی در پرتو حمایت کشورهای صاحب قدرت برخوردار نبوده اند. آنها از مذاکراتشان طرفی نیستند و از راه تشکیل کنفرانس ها و گفتگوهای چند جانبه هم راه به جایی نبردند. این مطلبی است که جا دارد درباره آن جداگانه سخن بگوییم.

در پی حمله گسترده طالبان به شمال افغانستان به رهبری پاکستان و با حضور غیر قابل انکار نیروهای آن و کشته شدن دیپلماتها و خبرنگاران ایرانی و به اسارت درآمدن جمعی از رانندگان و واکنش دولت ایران، نماینده سازمان ملل آقای اخضر ابراهیمی تلاشهایی را آغاز کرد که می توان گفت با تلاشهای قبلی او متفاوت بود. دبیر کل سازمان ملل و شورای امنیت از بی تفاوتی های گذشته تا حدی فاصله گرفتند و سرانجام با موضع گیری نه چندان قاطع ولی هشدار دهنده شورای امنیت، راه برای تشکیل کنفرانس ۲+۶ هموار گشت. به شهادت مصاحبه های رادیویی و مصاحبه با چند روزنامه پرتیراژ، من پیش از هر کس بر تشکیل اجلاس گروه ۲+۶ تأکید داشتم و معتقد بودم که با تشکیل آن می توان اهمیت موضوع را مطرح ساخت و قدرتی چون

آنها در طول این چهار سال در هر یورش به نواحی تاجیک نشین، هزاره نشین، ازبک نشین و دیگر قومهای باشنده افغانستان، با بی رحمی هر چه تمامتر از زن و مرد، کودک و جوان و پیر را به صورت گروهی قتل عام کرده و در گورهای دسته جمعی به خاک سپرده اند. آنها در موارد بسیار روی صربهارا در کشتار مردم بوسنی سفید کرده اند. آنها با صراحت اعلام کرده اند که «افغانستان یعنی پشتونستان».^۳ به بیان دیگر، این که افغانستان فقط سرزمین پشتوزبانان است و با دیگران چون بیگانه و بنده رفتار خواهد شد. آنها در بخش وسیعی از افغانستان دست به کوچاندن اجباری تاجیکان و هزاره ها و ازبکها زده اند تا یکپارچگی فرهنگی آن مناطق را از میان ببرند. اخیراً اعلام شد که بیش از دو هزار تن از جوانان بامیان بوسیله طالبان دستگیر و به نقطه نامعلومی برده شده اند که از زنده بودن یا کشته شدن آنها اطلاعی در دست نیست.^۴ آنها نه تنها با کسانی که در جریان بر خوردهای تجاوز گرانه زنده مانده اند معایر با تمامی اصول حقوق بشر رفتار می کنند، که مردگان غیر پشتون را نیز نمی بخشند. مدتی پیش یکی از گریختگان از مزار شریف در شهر دیگری در گذشت. بنابر وصیت او بستگانش جنازه را به مزار شریف بردند تا در آن محل که مورد توجه شیعیان است به خاک بسپارند. مأموران پس از شناسایی مرده و دیدن کوتاه بودن ریشش، جسد را نزد حاکم و قاضی شرع می برند. قاضی مسلمان و اجرا کننده قوانین شرع دستور می دهد به جرم کوتاه بودن ریش مرده پنج ضربه شلاق به جسد بزنند و سپس آن را به خاک بسپارند. آری چنین است نحوه اجرای قانون و حکم شرع، خواه گناهکار زنده باشد یا مرده. باز تاب رفتار وحشیانه طالبان در جهان و تصویری خشن و ضد انسانی که از آنها بدست داده شده، سبب گردیده که طالبان به شدت از حضور خبرنگاران خارجی در مناطق تحت نفوذ خود جلوگیری کنند. مناطقی چون هرات، بامیان، مزار شریف و... جزو منطقه های ممنوعه به شمار می رود.^۵

کشت و قاچاق مواد مخدر و مافیا

طالبان به منظور کسب در آمد هر چه بیشتر بخش وسیعی از کشتزارهای افغانستان را در حالی که فقر و گرسنگی مردم را در تنگنا قرار داده به اجبار زیر کشت تریاک برده اند. روزنامه الشرق الاوسط به نقل از منابع سازمان ملل می نویسد که طالبان دوسوم مواد مخدر در جهان را تأمین می کنند و بخش مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل طی آماری اعلام داشته که طالبان به تنهایی ۵۰ درصد هرئین مورد مصرف در اروپا و ۸۰ درصد هرئین در جهان را تأمین می کنند.^۶ در برابر اعتراض سازمان ملل، پاسخ طالبان آن بوده که ما باید هزینه های خود را از این راه جبران کنیم، ولی به شرط آنکه مورد شناسایی قرار گیریم می کوشیم به نحوی دامنه تولید را محدود سازیم. شک نیست که برای انتقال مواد

آمریکارا واداشت تا در يك نشست رسمی در برابر طالبان و تجاوز پاکستان موضع گیری کند.

مجموعه اقدامات منجر به آن گشت که عملکرد طالبان بطور کلی مورد انتقاد شدید قرار بگیرد و از آنها خواسته شود تا هر چه زودتر به جنگ پایان دهند و با دیگر گروهها برای دستیابی به تفاهم و تشکیل يك دولت فراگیر به مذاکره بنشینند. همچنین وادار شوند که پیکر دیپلماتهای ایرانی را پس بدهند و تنی چند از زندانیان را نیز آزاد کنند. در عمل می توان گفت که با همه سروصدهایی که در این باره به راه افتاد، فشارهای لازم بر طالبان وارد نشد و به نظر من بیشتر به این علت که نحوه طرح مسئله از سوی ایران هوشمندانه نبود؛ به این معنی که ایران به جای طرح مسئله از جنبه کلان موضوع و حمله به تجاوزگریهای طالبان بر اساس پاکسازی قومی و لزوم متوقف کردن آنها و نجات مردم شمال از تاجیک و هزاره گرفته تا از یک، همه سنگینی خواسته های خود را بر مسئله چندتن دیپلمات متمرکز ساخت (درحالی که از قبل آگاهی داشت که کشته شده اند). ایران همزمان می بایست سخت نسبت به مداخله نظامی پاکستان اعتراض کند و شورای امنیت را وادار سازد که گروه تحقیق به منطقه بفرستد. اگر ایران از چنین موضعی با مسئله برخورد کرده بود بدون شک شورای امنیت نمی توانست نسبت به این دو موضوع بی تفاوتی نشان دهد و امید می رفت که در آن شرایط قطعنامه محکم تری صادر شود. ما می بایست با مانورهای هوشمندانه و برخورداری از حمایت های روسیه، کشورهای آسیای مرکزی و هند، تا مرحله صدور يك اولتیماتوم قوی از سوی شورای امنیت برای پس نشستن طالبان از منطقه های تازه اشغال شده در شمال پیش می رفتیم؛ کاری که نیاز به فعالیت گسترده دیپلماتیک و مذاکرات حساب شده با قدرتهای صاحب نفوذ در بحران افغانستان داشت. دیپلماسی ایران در جریان تجاوز اخیر طالبان چنان که می بایست بر این نکته تکیه نکرد که دولت ربانی تنها دولتی است که مورد قبول و شناسایی همه کشورهای جهان (جز پاکستان و عربستان و امارات عربی متحده) است و این دولت برای نجات کشورش از دست گروهی که بوسیله يك کشور خارجی بسیج شده اند دست یاری به سوی دنیا دراز کرده است. کارنامه طالبان چنان سیاه است که هنوز نماینده سازمان ملل به خود جرأت نمی دهد با آنها که بر بخش اعظم سرزمین افغانستان تسلط نظامی یافته اند به گونه ای مثبت برخورد کند و در بازدید اخیر خود از تاشکند اعلام داشت: بحث شناسایی طالبان مطرح نیست.

شکاف در صفوف طالبان

گذشته از موضع گیری عربستان در برابر طالبان، طی چند هفته

مبادله اسیران

اخیر اخباری از سوی خبرگزاریهای معتبر انتشار یافته که حکایت از بروز شکاف در صفوف طالبان دارد. سخن از دستگیری چهل تن از مقامهای معتبر طالبان و بویژه ژنرالهای کمونیست پشتون در میان است که از چندسال پیش با طالبان همکاری داشته اند. گفته می شود که این افراد می خواسته اند در برابر جناح ملامحمد عمر دست به کودتا بزنند و به حاکمیت جناح قشری و متعصب طالبان پایان ببخشند و زمینه را برای پذیرش برخی پیشنهادهای سازمان ملل فراهم سازند. مقامهای بر قدرت نشسته طالبان اعلام داشته اند که این افراد در آینده نزدیک محاکمه خواهند شد.

خبرگزاری فرانسه به نقل از روزنامه نیوزدیلی اعلام داشت که به گفته ملامصدر اعظم معاون استانداری ننگرهار، تمامی دستگیر شدگان از کمونیستهای سابق بوده اند و تعدادشان به چهل نفر می رسد. از سوی دیگر، اخباری درباره دریافت رشوه و زراندوزی برخی مقامات طالبان انتشار یافته که می رساند جماعتی به فکر افتاده اند پس از جمع آوری پول، در اولین فرصت خود را به مکانی امن برسانند. بی.بی.سی در اخبار خود به دستگیری سه شخصیت معتبر طالبان به جرم دریافت رشوه اشاره داشته و آنها را چنین معرفی کرده است: مقام وزارت امر به معروف و نهی از منکر - رئیس سازمان جاسوسی طالبان - یکی از مقامهای قضایی. این افراد به حکم قاضی، هر يك به خوردن چند ضربه شلاق محکوم شده اند.

مبادله اسیران

بنابر گزارش خبرگزاریها، طالبان در دو سه هفته اخیر با میانجیگری يك بازرگان افغانستانی ساکن عربستان با دو آتش بس موقت برای مبادله تعدادی از اسیران دوطرف موافقت کرده اند. به نظر می رسد که گذشته از مذاکرات پشت پرده، پیروزیهای نسبی احمدشاه مسعود در جبهه شمال و بخشی از شمال کابل و تصرف شهر خنجان و آزادسازی استان تخار و بخش هایی از دو سه استان دیگر و اینکه ضمن حمله های غافلگیر کننده اخیر حدود ۸۰۰ اسیر گرفته و در مجموع نزدیک به دو هزار اسیر در اختیار دارد، در انجام این مذاکرات بی اثر نبوده است. احمدشاه مسعود در برابر پیشنهاد مبادله اسیران بر این نکته تأکید داشته است که اگر طالبان حاضر به آزاد ساختن اسماعیل خان حکمران منطقه هرات نشوند، حاضر به مبادله بیش از ۳۰۰ نفر از اسیران نخواهد بود. چنانچه احمدشاه مسعود بتواند اسماعیل خان را از چنگ طالبان بیرون آورد، با توجه به موقعیت و محبوبیت گذشته اسماعیل خان در هرات و بخش عمده ای از غرب افغانستان، می توان امیدوار بود که با فراهم آمدن زمینه های لازم، امیدی در دل مردم هرات و روندی تازه در اوضاع افغانستان پدید آید.

مانور نظامی ایران، نوشدارو پس از مرگ سهراب

ایران در پی حمله طالبان و پاکستان به شمال افغانستان و پیشرفت سریع آنها و سرانجام اشغال مزار شریف و کشتار انبوهی از مردم منطقه و از جمله چندتن از دیپلماتهای ایرانی، به خود آمد و در دو مرحله در بخش‌هایی از مرز دست به مانورهای نظامی زد. دربارهٔ نتایج این حرکت با توجه به هزینه‌های سنگین آن، تا به دست آمدن آگاهی‌های لازم نمی‌توان قضاوت کرد، ولی یادآور می‌شویم که اگر دستگاههای اطلاعاتی ایران خوب عمل کرده بودند و هوشیارانه همه چیز را زیر نظر می‌داشتند و وزارت امور خارجه برای چندمین بار فریب پاکستان را نخورده بود و میدان را در اختیار آن نگذاشته بود، ما می‌بایست مانور نظامی را دست کم دو ماه زودتر آغاز می‌کردیم و در آن صورت نیاز به دوبار نقل و انتقال نیروها و حتی این حجم از نیرو نمی‌بود. کافی بود در یک دورهٔ استقرار دو سه ماهه و انجام گونه‌های مختلف مانور و دادن هشدارهای دیپلماتیک، شرایطی پدید آوریم که نقشه‌های پاکستان عقیم بماند و جرأت نرزد لشگرکشی به شمال را سامان‌دهی کند. بدون شک اگر دو ماه زودتر و پیش از یورش طالبان نیروهای خود را برای اجرای مانور در مرز مستقر ساخته بودیم توان تحرک چشمگیر از طالبان سلب شده بود. می‌بایست در همان زمان با صراحت توجه پاکستان و تمامی جهان و سازمان ملل را به مادهٔ هفتم قرارداد پاریس ۱۸۵۷ میان ایران و انگلیس جلب می‌کردیم. گرچه این قرارداد نشانگر تحمیل خواست و نظر دولت استعمارگر انگلیس بر ایران ناتوان دوران ناصری است، با این حال در مادهٔ هفتم قرارداد مذکور حریم امنیتی ایران در مرزهای شرقی‌اش مورد توجه قرار گرفته و به دولت ایران این حق داده شده که در صورت به خطر افتادن حریم امنیتی‌اش، در آن سوی مرز حضور نظامی بیابد و تارفع مشکل در آنجا باقی بماند.

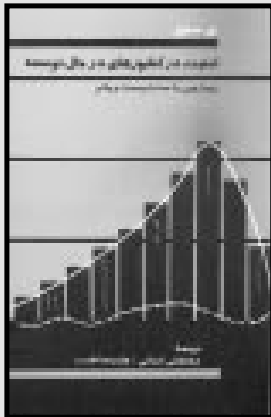
در مادهٔ هفتم قرارداد پاریس چنین آمده است: «هرگاه از طرف یکی از ممالک مزبور فوق [ممالک هرات و افغانستان] به حدود ایران تجاوزی شد چنانچه استرضای شایسته به عمل نیامد دولت ایران حق خواهد داشت که اقدامات نظامی برای منع و سیاست متهاجمین به کار برد، ولی صریحاً مقرر است که هر قدر از قوای نظامی اعلیحضرت شاهنشاه ایران که بدین عزم از سرحد تجاوز نمود به مجرد این که به مقصود نایل گردید به خاک خود مراجعت خواهد کرد...» جا داشت که در زمان حملهٔ طالبان به هرات و صحنه‌سازیهایی که برای تصرف آن صورت گرفت، دولت ایران به استناد همین قرارداد اولتیماتوم قاطعی می‌داد و خواستار عقب‌نشینی طالبان و تحویل منطقه به دولت قانونی افغانستان می‌شد. ولی متأسفانه ایرانیان سقوط هرات را آنقدر ساده

تلقی کردند که گویی بخشی کوچک در جنوب قندهار به تصرف طالبان درآمده است.

لازم است یادآوری شود که طی چندسال اخیر دولت ترکیه بدون آن که قراردادی در میان باشد در هر فرصتی که مناسب دانسته به بهانهٔ حفظ امنیت خود، با بی‌پروایی از زمین و هوا شمال عراق را مورد حمله قرار داده و پس از مدتی نیروهایش را پس کشیده و جز برخی اعتراضهای سادهٔ دیپلماتیک هیچ‌گاه مورد اعتراض جدی قرار نگرفته است. در پی حمله‌های گستردهٔ ترکیه در ماه آبان امسال به شمال عراق، آمریکا و انگلیس با صراحت بر لزوم این کار در جهت حفظ امنیت ترکیه مهر تأکید زدند. البته باید در نظر داشت که ترکیه در صحنهٔ روابط سیاسی هر روز برای قدرتهای جهانی شاخ و شانه نمی‌کشد و برای آنکه بتواند بخش عمده‌ای از قبرس را اشغال کند و در عمل شمال عراق را جزو حریم امنیتی ملی خود به‌شمار آورد، هوشمندانه از ایجاد تنش شدید با قدرتهای غربی پرهیز می‌کند و با اینکه کشورهای اروپایی چندین بار برای ورودش به اتحادیهٔ اروپا دست رد به سینه‌اش زده‌اند واکنش‌های جنجالی از خود نشان نمی‌دهد. ما اگر آگاهانه با منافع ملی خود برخورد کنیم و آنرا درست بشناسیم، توجه خواهیم داشت که برای حفظ آن چگونه باید در صحنهٔ سیاسی جهان و منطقه عمل کنیم؛ کجا باید نرزش نشان دهیم و کجا باید با قاطعیت عمل کنیم. برای ما دفاع از گروههای تندرو فلسطینی مرجح است یا حفظ منافع و حریم امنیتی مرزهای خودمان؟ اگر نتوانیم منافع خود را در چهار جهت سرزمینمان حفظ کنیم و از اقتدار و اعتبار لازم برخوردار نباشیم، چگونه قادر خواهیم بود در صحنهٔ سیاست منطقه و فراتر از آن حضور یابیم و به نقش آفرینی به سود این یا آن بپردازیم؟ اگر در زمینهٔ بحران افغانستان سربلند بیرون نیاییم و نتوانیم از منافع برادرانی که طی هزاره‌ها با ما وحدت فرهنگی و تاریخی داشته‌اند با جرأت دفاع کنیم و به تاخت‌وتاز گروهی واپسگرا و تجاوزگرهای یک دولت همسایه پایان بخشیم، سخت آسیب‌پذیر خواهیم شد و پس از تجاوز عراق و طالبان باید در بخش‌های شمالی و غربی و... در انتظار حوادث دیگری باشیم که می‌تواند منافع و امنیت ملی ما را به خطر اندازد.

زیرنویس‌ها:

۱. روزنامهٔ آریا، شنبه ۴ مهر.
۲. همان.
۳. روزنامهٔ ایران، ۷/۸/۷۷.
۴. روزنامهٔ سلام، ۷/۷/۷۷.
۵. روزنامهٔ آریا، ۴/۷/۷۷.
۶. همان.
۷. روزنامهٔ سلام، ۷/۷/۷۷.



**امنیت در کشورهای
در حال توسعه**

ی. سابق
ترجمه مصطفی ایمانی-علیر ضاطیب
شرکت انتشارات علمی و فرهنگی-
قیمت ۳۰۰ تومان



جغرافیای گرجستان

دکتر بهرام امیر احمدیان
انتشارات بین المللی الهدی-
قیمت ۸۰۰ تومان



نقش روشنفکری

ادوارد سعید
ترجمه و پیشگفتار دکتر حمید عضدانلو
انتشارات آموزش-قیمت ۸۸۰ تومان



سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه

الهه کولایی
انتشارات وزارت امور خارجه-قیمت ۹۹۰ تومان
شرح احوال سلطان عبدالحمید و
اوضاع مملکت عثمانی
ترجمه: محمدحسن اعتمادالسلطنه
انتشارات وزارت امور خارجه-قیمت ۳۷۰ تومان



شرح احوال سلطان عبدالحمید و

اوضاع مملکت عثمانی

ترجمه: محمدحسن اعتمادالسلطنه
انتشارات وزارت امور خارجه
قیمت ۳۷۰ تومان



گاهشمار رویدادهای افغانستان ۱۳۷۶

به کوشش: عیسی کاملی
وزارت امور خارجه
انتشارات ستاد پشتیبانی افغانستان
قیمت ۷۵۰ تومان

